



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۵/۰۱

استاد اسحاق نگارگر

به خاطر گُشتار های بیرحمانه کابل و قندهار

ما بدبختانه عادت کرده ایم که وقتی در مصیبت کده ای که نامش افغانستان است فتنه ای رخ داد متأثر شویم و احیاناً چند قطره اشک نثار تریب رفتگان کنیم ولی من از این کار هم خسته شده ام زیرا احساس میکنم وقتی یک تعداد گرگان گرسنه بر مردمی که برای کسب روزی در تپ و تلاش استند یورش می آرند و صرف به خاطر گُشتار میکنند آدم نمیتواند عمل گرگان راحتی محکوم هم کند زیرا عمل نا درست انسانی را محکوم میکنی تا دیگر گرد آن عمل نگردد ولی با گرگان آدم نمکاه فقط برای گُشتار؛ گُشتار میکنند و از دست و پا زدن بسمل وار قربانیان لذت می برند آدم درمی ماند اما وقتی کارد به استخوان برسد ناگزیر واخ میگوی و من هم امروز وقتی خبر گُشتارهای بیرحمانه کابل و قندهار را شنیدم واخ گفتم و این است آن «واخ»

آدمیت را در باختیم!

در قمار زندگی ما رایگان در باختیم
بی دلیل روشن هر سونقد جان در باختیم
ماکه افتادیم در گرداب شر از حرص و آز
نوکر دینار گردیدیم و شان در باختیم
لاله این جا قصه های خون مردم میکند
مادرین صحرای غم صدها جوان در باختیم
اشک هم خشکید در چشمان ماتمدار ما
غم فراوان گشت از بس؛ ما فغان در باختیم
نی زمین از حال ما پرسید و نی هم آسمان
نقد الفت در زمین و آسمان در باختیم
دین زاهد گر همین گُشتار بیرحمانه است
ما ز ایمانش گذشتیم و امان در باختیم
فتنه می باز در این جا؛ کیست تا پرسم از او
مهر و احسان و مروت را چه سان در باختیم؟
رچه انسان مُشْتَق از انس است اما انس کو؟
آدمیت را درین دور و زمان در باختیم!

نگارگر روز دوشنبه ۳۰ اپریل ۲۰۱۸ برمنگهم